

معلم در کلاس تاریخ



پای تاریخ باستان که وسط می‌آید و قرار می‌شود درباره نظام آموزش و پرورش، وضع مدرسه‌ها و معلمان از پس هزاره‌ها حرف زد، باید پرنده خیال را پرواز داد و خیلی چیزها را تصور کرد چون تاریخ این سرزمین که مردمش به علم و ادب شهره بوده‌اند، گاهی به حدی دور و محو است که فقط می‌شود گمانه‌زنی کرد و تکه‌های پراکنده پازل تاریخ را به زحمت کنار هم چید و نتیجه‌ای گرفت.

پای تاریخ باستان که وسط می‌آید و قرار می‌شود درباره نظام آموزش و پرورش، وضع مدرسه‌ها و معلمان از پس هزاره‌ها حرف زد، باید پرنده خیال را پرواز داد و خیلی چیزها را تصور کرد چون تاریخ این سرزمین که مردمش به علم و ادب شهره بوده‌اند، گاهی به حدی دور و محو است که فقط می‌شود گمانه‌زنی کرد و تکه‌های پراکنده پازل تاریخ را به زحمت کنار هم چید و نتیجه‌ای گرفت.

واکاوای شیوه‌های تعلیم و تربیت در دوره مادها و درک این مساله که نخستین پادشاهان این سرزمین چه روشی را برای آموزش افراد به کار می‌بستند و معلمان آن دوره چه ویژگی‌هایی داشته‌اند، گوشه‌ای از تاریخ پرابهام ماست که فقط چند نکته کوچک درباره آن به دستمان رسیده است.

تاریخ‌نویسانی همچون وکیلیان و حکمت معتقدند در زمان مادها که حکومت شاهنشاهی در ایران پایه‌گذاری شد، اداره حکومتی بزرگ نیاز به تربیت افرادی خبره داشت که باید از میان شاهزادگان، بزرگان، نجبا و طبقات برجسته جامعه انتخاب می‌شدند و زیر نظر خانواده، آتشکده و آموزشگاه‌های درباری آموزش می‌دیدند.

این اتفاق افتاد و با این‌که هیچ نامی از هیچ معلمی در آن دوره در دست نیست، فرزندان خانواده‌های اشرافی در شاخه‌های تربیت بدنی، آموزش نظامی، خواندن و نوشتن و حسابداری که البته فقط به عده معدودی آموزش داده می‌شد و نیز زبان ملت‌های آن روز و فن سخنوری زیر نظر معلمان تعلیم دیدند.

تلاش این معلمان بی‌نام و نشان، قرن‌ها ادامه یافت و در دوره هخامنشیان تقویت شد، به طوری که هرودوت در تاریخ معروفش «گزننفرا؛ در کورش نامه‌اش یادآور می‌شود که در این دوره کودکان به مکتب می‌رفتند و از پنج سالگی تا بیست و پنج سالگی در آنجا تعلیم می‌دیدند و پس از پایان تحصیل به جوانی تبدیل می‌شدند، وظیفه‌شناس، راستگو، دارای اعتدال مزاج و متبحر در تیراندازی، پرتاب نیزه و سوارکاری.

حکومت هخامنشی به واسطه توجهی که به تعلیم و تربیت داشته است، حکومتی خوش نام است، گرچه اطلاعات زیادی به طور مستقیم از کیفیت و روند آموزش و پرورش در آن در دست نیست، اما پژوهشگران استدلال می‌کنند که ساخت کانال سوئز، ایجاد جاده شاهی، تاسیس نظام قضایی پیشرفته، راه‌اندازی دانشکده در سائیس مصر و حتی چاپ روزنامه رسمی «کتزیاسرا؛ در این دوره نشانه‌هایی از وجود سیستم آموزشی پیشرفته که قادر به تربیت نیروهای مجرب بود، در دوره هخامنشیان است.

این وضع البته با آمدن اسکندر مقدونی به ایران و تشکیل حکومت یونانی سلوکیان تغییر کرد و تمام رشته‌های ریسیده طی چند قرن به یکباره پنبه شد تا این‌که اشکانیان یکبار دیگر زمام امور را در دست گرفتند و نوباوگان طبقات ممتاز یکبار دیگر پای درس معلمانی نشستند که مطابق نیازهای ملی به افراد آموزش می‌دادند.

با این حال عهد ساسانی در تاریخ ایران باستان، برگ زرینی در نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. به نوشته کریستنسن، مورخ نامدار جهان در این زمان افراد زیر نظر خانواده و مدرسه تعلیم می‌دیدند و بزرگ‌زادگان در مدارس ویژه‌ای که در نزدیکی قصر شاهی برپا می‌شد، درس می‌خواندند و سرانجام در بیست سالگی مورد امتحان دانشمندان و هیربدان قرار می‌گرفتند.

در تاریخ ثبت است که در این دوره دو مدرسه مشهور به نام‌های «رها؛ و «نصیبینرا؛ وجود داشته و هرکدام حدود 800 دانش‌آموز داشته‌اند. مستندات می‌دهد مدت تحصیل در مدرسه نصیبین سه سال

بوده و برای اسکان دانش‌آموزان خانه‌هایی ساخته شده بود که شبیه خوابگاه‌های امروزی، کسی بدون اجازه مسئولان مدرسه اجازه خارج شدن از آنها را نداشت.

اما سرآمد همه حمایت‌های ساسانیان از علم و دانش‌اندوزی، تاسیس دانشگاه جندی شاپور (گندی شاپور) بود که گرچه نام و نشانی از معلمان آن در دست نیست، اما در تاریخ ثبت است که بر سر در آن نوشته بودند: «دانش و فضیلت برتر از بازو و شمشیر است.«

مکتبخانه؛ تحصیل با چاشنی ترس

14 قرن پیش، اما این شیوه علم‌آموزی پوست انداخت. با این‌که از آن زمان به بعد هم بزرگ زادگان و طبقه اشراف راحت‌تر در مسیر کسب علم قرار می‌گرفتند، اما جمع شاگردها و معلم‌ها بتدریج خودمانی‌تر شد و طبقه متوسط اجتماع حتی برخی افراد از خانواده‌های ضعیف هم به مدرسه راه می‌یافتند. البته مدرسه به شکل امروزی‌اش محصول چند قرن اخیر است و تا پیش از آن‌که این شیوه سوادآموزی همه‌گیر شود، مکتبخانه‌ها گوی تعلیم و تربیت را ربوده بودند. از مکتبخانه‌ها حکایت‌های زیادی روایت می‌شود که همگی به فضایی اشاره دارد که مکتبدارهای مرد که آقامیرزا هم خوانده می‌شدند یا ملاباجی‌ها که به خانم باجی هم مشهور بودند، آن را اداره می‌کردند و روش‌های خاصی برای تعلیم و تربیت داشتند.

روایت می‌شود که در مکتبخانه‌ها، زمین با حصیر، نم یا گلیم فرش می‌شده و گاهی نیز بچه‌ها برای راحت‌تر نشستن، تشکچه‌هایی را به همراه می‌آوردند تا بویژه در زمستان، گرمای منقل مکتبخانه با گرمای زیراندازها تلفیق شود و تمرکز بچه‌ها را بالا ببرد.

اما نام مکتبخانه‌ها با چیزی بجز ترکه‌های آلبالو و عناب که مخصوص کتک زدن بچه‌های کم‌کار بود، عجین نشده است. آقا میرزاها که آموزش مبتدیان را به جمله «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، هوالفتاح‌العلیم، پس مبارک بود چو فرهما، اول کارها به نام خدا« شروع می‌کردند همیشه این ترکه‌ها را کنار دست خود می‌گذاشتند تا اگر شاگردی که نزدیک‌تر نشسته و تنبلی می‌کند با ترکه کوتاه‌تر و شاگردان تنبل و درس‌نخوانی که دورتر نشسته‌اند را با ترکه‌های بلندتر تنبیه کنند.

بساط فلك در مکتبخانه هم همیشه مهیا بود، همچنین مداد برای قرار دادن لای انگشتان و يك مشت ریگ برای فشار دادن لاله گوش شاگردان درس‌نخوان با آنها.

البته ملاباجی‌ها، دختران مکتبخانه را با این خشونت تنبیه نمی‌کردند و اگر شاگردی کاهلی می‌کرد با نیشگون یا فشار سوزن به دست و صورتش او را تنبیه می‌کردند. با این حال آنها همیشه از شاگردان، هدایایی به‌عنوان قدردانی و تشکر می‌گرفتند که البته اگر شاگردی چنین توانی نداشت با سختگیری‌های آقا میرزا و ملاباجی روبه‌رو می‌شد، چون به هر حال شیرینی‌ها، میوه، یخ، بادبز، پشم، زولبیا، خاکه زغال، کله قند، کاسه نبات، پارچه‌های پیراهنی، چارقد، چادر نماز، قواره‌های عبایی، شال، ردا یا عمامه‌ای که شاگردان به معلم خود می‌دادند، حکم دستمزد آنها را داشت و گردانندگان مکتب، روی این هدایا حساب باز می‌کردند.

افول مکتبخانه، تولد دارالفنون

رابطه با دنیای غرب اگر هیچ عایدی برای ما نداشت، دست‌کم این سود را داشت که راه برای تعلیم و تربیت نوین در ایران باز کرد.

دوره افول مکتبخانه‌ها را در ایران، دوره پهلوی اول می‌دانند، اما افول تدریجی این مدارس سنتی از دوره صفویه که اروپاییان در شهرهایی چون اصفهان و تبریز آموزشگاه‌هایی به سبک غربی راه انداختند، آغاز شد.

نماد این تغییر و تحول هم چیزی جز دارالفنون نیست؛ مدرسه‌ای ساخته شده به همت امیرکبیر که شاگردان ممتازی نیز تربیت کرد.

در دارالفنون، معلمان اهل انگلیس و روسیه در رشته‌های مهندسی، طب و جراحی، فیزیک و شیمی، داروسازی، علم و فن، نقشه‌کشی، زبان فرانسه، انگلیسی و روسی، معدن‌شناسی، توپخانه و پیاده نظام و سواره‌نظام به شاگردان درس می‌دادند.

دانش‌آموزان هم که با اجازه شاه به این مدرسه وارد می‌شدند، همگی لباس فرم می‌پوشیدند، سالی دو دست لباس تابستانی و زمستانی رایگان می‌گرفتند، ناهار مهمان مدرسه بودند و پزشک مخصوص، سلامت‌شان را رصد می‌کرد.

اما این مدرسه نیز همانند همه دستاوردهای حکومت متزلزل قاجار گرفتار افول شد، چراکه از يك سو شخص شاه نگران سیاسی شدنش بود و از سوی دیگر فعالیت معلمان خارجی در آن و این‌که دانش‌آموختگان این مدرسه کمتر در رشته‌های تخصصی‌شان به کار

گرفته می‌شدند، تهدیدی برای بقای آن بود.

به این ترتیب پرونده دارالفنون بسته شد و معلمان آن هم به زادگاهشان برگشتند، اما در سال 1275 قمری مدرسه‌ای نظامی در تبریز تاسیس شد که سعی داشت دارالفنون دومی باشد. پس از آن نیز مدرسه مشیریه تاسیس شد که در آن زبان‌های خارجی و جغرافیا تدریس می‌شد. در سال 1300 قمری هم مدرسه همایونی اصفهان با رسالتی مشابه شروع به کار کرد تا این‌که بتدریج و از زمان مظفرالدین شاه به بعد تاسیس مدارس شرف، مظفریه، علمیه، سادات، دانش، ادب، کمال و لقمانیه، تعلیم و تعلم را وارد مرحله جدیدی کرد.

به افتخارشان هورا می‌کشیم

مدرسه در ایران تا مدرسه شود، علم‌آموزی در این کشور تا علم‌آموزی شود و معلم در این سرزمین تا معلم شود و به تعریف امروزی‌شان نزدیک شوند، راه زیادی رفته‌اند. خیلی‌ها در این راه گمنام مانده‌اند، برخی طوری محو شده‌اند که حتی اسمی هم از آنها نمانده؛ ولی عده‌ای گام‌هایی بلند برداشته‌اند که هنوز از پس قرن‌ها می‌شود رد پایشان را دید.

مفهومی که امروز از مدرسه و معلم در ذهن ماست، حاصل تلاش انسان‌های پرتلاش و با فرهنگی است که اگر به افتخارشان هورا بکشیم باز هم کم است؛ کسانی همچون محمدبهن بیگی، اولین معلم عشایر ایران و جبار باغچه‌بان (جبار عسگرزاده)، موسس اولین کودکان و اولین مدرسه ناشنوایان ایران.

اینها حکم جاده صاف کن‌هایی را دارند که همه سختی‌های راه تعلیم و تربیت را به خود آسان کردند و شغل معلمی را به نسل امروز سپردند؛ به کسانی که گاهی با وجود همه سختی‌های موجود برای حفظ حرمت این شغل تلاش می‌کنند و گاهی روح معلمی را از یاد می‌برند و به کار ساختن خاطره‌های بد مشغول می‌شوند.

مریم خباز / گروه جامعه